

راههای سه گانه: احتیاط، اجتهاد، تقلید

س ۱: آیا تقلید، صرفاً یک مسأله عقلی است یا ادله شرعی نیز دارد؟

ج: تقلید، ادله شرعی دارد و عقل نیز حکم می‌کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع‌الشرایط مراجعه کند.

س ۲: به نظر شریف حضرتعالی، عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟

ج: چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع‌الشرایط تقلید کند.

س ۳: قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوی فقها چه اندازه است؟ آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است؟

ج: مراد از احتیاط در موارد آن، رعایت همه احتمالات فقهی است؛ به‌طوری که مکلف مطمئن شود که به وظیفه خود عمل کرده است.

س ۴: دخترم به زودی به سن تکلیف می‌رسد و باید برای خود مرجع تقلیدی انتخاب کند، اما درک مسأله تقلید برای او دشوار است، وظیفه ما نسبت به او چیست؟

ج: اگر وی به تنهایی نمی‌تواند وظیفه شرعی خود را در این‌باره تشخیص دهد، وظیفه شما ارشاد و راهنمایی اوست.

س ۵: نزد فقها معروف است که تشخیص موضوعات احکام به عهده خود مکلف است و وظیفه مجتهد تشخیص حکم است، ولی در عین حال مجتهدین در بسیاری موارد، در تشخیص موضوعات احکام نیز اظهار نظر می‌کنند، آیا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نیز واجب است؟

ج: تشخیص موضوع، موکول به نظر خود مکلف است و متابعت از مجتهد در تشخیص موضوع واجب نیست، مگر آنکه به آن تشخیص اطمینان پیدا کند و یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن نیاز به استنباط دارد.

س ۶: آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است؟

ج: اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.

س ۷: گاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی درباره مرجع تقلید شان پرسش می‌شود، می‌گویند نمی‌دانیم، یا اظهار می‌دارند که از فلان مجتهد تقلید می‌کنیم، ولی عملاً التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوی او ندارند، اعمال این‌گونه افراد چه حکمی دارد؟

ج: اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است.

س ۸: با توجه به اینکه در مسائلی که مجتهد اعلم قائل به وجوب احتیاط است، می‌توانیم به مجتهد اعلم بعد از وی مراجعه کنیم، اگر اعلم بعد از او نیز قائل به وجوب احتیاط در مسأله باشد، آیا رجوع به اعلم بعد از او جایز است؟ و اگر فتوای مجتهد سوم هم همان‌گونه بود، آیا می‌توان به اعلم بعد از آنان مراجعه کرد؟ و همین‌طور...، لطفاً این مسأله را توضیح دهید.

ج: در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسأله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم، اشکال ندارد.

شروط تقلید

س ۹: آیا تقلید از مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله عملیه هم ندارد، جایز است؟

ج: در صحت تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلفی که قصد تقلید از او را دارد، ثابت شود که وی مجتهد جامع‌الشرایط است، تقلید اشکال ندارد.

س ۱۰: آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه‌ی اجتهاد رسیده، جایز است؟

ج: فتوا

ی مجتهد متجزی که تنها در برخی ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است برای خودش حجت است، ولی جواز تقلید دیگران از او محل اشکال است؛ اگر چه جواز آن بعید نیست.

س ۱۱: آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد، جایز است؟

ج: در تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

س ۱۲: آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟

ج: با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، شرط است که مجتهد مرجع تقلید علاوه بر عدالت، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

س ۱۲: این که گفته می‌شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است؟

ج: عادل کسی است که پرهیزگاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

س ۱۴: آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟

ج: ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

س ۱۵: بنا بر نظر حضرت امام راحل (قدس سره) مرجع تقلید باید علاوه بر علم به احکام عبادات و معاملات، نسبت به همه امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و رهبری، عالم و آگاه باشد. ما در گذشته مقلد حضرت امام بودیم، بعد از رحلت ایشان با راهنمایی تعدادی از علما و تشخیص خودمان لازم دانستیم به جنابعالی رجوع نموده و از شما تقلید کنیم تا بین مرجعیت و رهبری جمع کرده باشیم، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: شرایط صلاحیت مرجعیت تقلید، در تحریر الوسیله و رساله‌های دیگر به تفصیل ذکر شده است، و تشخیص فرد شایسته تقلید موکول به نظر خود مکلف است.

س ۱۶: آیا در تقلید، اعلمیت مرجع شرط است یا خیر؟ معیار و ملاک اعلمیت چیست؟

ج: در مسائلی که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد، احتیاط آن است که از اعلم تقلید کند و ملاک اعلمیت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از ادله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد.

س ۱۷: آیا تقلید کسی که از جهت احتمال عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلم، از مجتهد غیر اعلم تقلید کرده است، محکوم به بطلان است؟

ج: بنا بر احتیاط، تقلید از غیر اعلم در مسائل مورد اختلاف، به مجرد احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست.

س ۱۸: اگر ثابت شود که تعدادی از علما در بعضی از مسائل اعلم هستند، یعنی هر کدام از آنان در مسأله معینی اعلم باشند، آیا تقلید از هر یک از آنان جایز است؟

ج: تبعیض در تقلید اشکال ندارد و اگر اعلمیّت هر یک از آنان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مقلّد، واجب است.

س ۱۹: آیا با وجود اعلم، تقلید از غیر اعلم جایز است؟

ج: در مسائلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد، رجوع به غیر اعلم اشکال ندارد.

س ۲۰: نظر جنابعالی در اشتراط اعلمیّت مرجع تقلید چیست و دلیل آن کدام است؟

ج: در صورت تعدّد فقهای جامع‌الشرایط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید از اعلم تقلید نماید، مگر آنکه احراز شود که فتوای وی مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط. و دلیل وجوب تقلید از اعلم بنای عقلا و حکم عقل است، زیرا که اعتبار فتوای اعلم برای مقلد یقینی و اعتبار قول غیر اعلم احتمالی است.

س ۲۱: از چه کسی باید تقلید کنیم؟

ج: از مجتهدی که جامع شرایط فتوا و مرجعیّت است، و بنا بر احتیاط باید اعلم هم باشد.

س ۲۲: آیا تقلید ابتدایی از میّت جایز است؟

ج: در تقلید ابتدایی، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم نباید ترک شود.

س ۲۳: آیا تقلید ابتدایی از مجتهد میّت، متوقف بر تقلید از مجتهد زنده است؟

ج: تقلید ابتدایی از مجتهد میّت یا بقا بر تقلید او باید به تقلید از مجتهد زنده و اعلم باشد.

راههای اثبات اجتهاد، اعلمیّت و به دست آوردن فتوا

س ۲۴: بعد از احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیّت تقلید به وسیله شهادت دو فرد عادل، آیا لازم است در این باره از اشخاص دیگر نیز تحقیق کنم؟

ج: شهادت دو فرد عادل و اهل خبره بر صلاحیت و جامع‌الشرایط بودن مجتهد برای جواز تقلید از او کافی است و تحقیق از افراد دیگر لازم نیست.

س ۲۵: راه‌های انتخاب مرجع و به دست آوردن فتوا کدام است؟

ج: احرار اجتهاد و اعلی‌ت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد.

راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از:

1. شنیدن از خود مجتهد

2. شنیدن از دو یا یک فرد عادل

3. شنیدن از یک نفر مورد اطمینان

4. دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که رساله وی مصون از اشتباه باشد.

س ۲۶: آیا وکالت در انتخاب مرجع مثل وکالت پدر برای پسر و معلم برای شاگرد صحیح است؟

ج: اگر مراد از وکالت، سپردن وظیفه تحقیق و جستجو برای یافتن مجتهد جامع‌الشرایط به پدر، معلم، مربی و یا غیر آنان باشد، اشکال ندارد و نظرشان در این مورد اگر مفید علم یا اطمینان و یا واجد شرایط بین و شهادت باشد، از نظر شرعی معتبر و حجت است.

س ۲۷: از تعدادی از علماء که خود مجتهد بودند، راجع به فرد اعلم سؤال شد. فرمودند که رجوع به فلان مجتهد دامت افاضاته باعث برائت ذمه می‌گردد. آیا با آنکه شخصاً اطلاع از اعلی‌ت آن مجتهد ندارم و یا در این باره شک دارم و یا اطمینان دارم که اعلم نیست، زیرا افراد دیگری که با دلیل و بینة مشابه اعلی‌ت آنان ثابت شده است، وجود دارند، می‌توانم به گفته آنان اعتماد کرده و از آن مجتهد تقلید کنم؟

ج: اگر بینة شرعی بر اعلی‌ت مجتهد جامع‌الشرایط اقامه شود، تا زمانی که بینة شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینة حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد، در این صورت جستجو از بینة معارض و احرار عدم وجود آن لازم نیست.

س ۲۸: آیا جایز است کسی که اجازه از مجتهد ندارد و در بعضی از موارد مرتکب اشتباه در نقل فتوا و احکام شرعی شده است، متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟ وظیفه ما در صورتی که این شخص احکام را از روی رساله عملیه نقل می‌کند، چیست؟

در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

س ۲۹: تا به حال در بقا بر تقلید از میّت، به اجازه مجتهد غیر اعلم عمل می‌کردیم. اگر اجازه مجتهد اعلم شرط بقا بر تقلید از میّت است، آیا عدول به اعلم و طلب اجازه او برای بقا بر میّت بر ما واجب است؟
اگر فتوای غیر اعلم موافق با فتوای اعلم در این مسأله باشد، عمل به فتوای غیر اعلم اشکال ندارد و نیازی به عدول به اعلم نیست.

س ۳۰: آیا در عدول از یکی از فتاوای امام خمینی (قدّس سرّه) واجب است به فتوای مجتهدی که از او برای بقا بر تقلید میّت اجازه گرفته‌ام، رجوع کنم یا آنکه به فتوای سایر مجتهدین هم می‌شود عمل کرد؟
ج: احتیاط در رجوع به فتاوای همان مجتهد است، مگر آنکه مجتهد زنده دیگر اعلم از آن مجتهد و فتوای او در مسأله مورد عدول مخالف فتوای مجتهد اول باشد، که احتیاط واجب در این صورت، رجوع به مجتهد اعلم است.

س ۳۱: آیا تغییر مرجع تقلید جایز است؟

ج: عدول از مجتهد زنده، به مجتهد زنده دیگر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این که اعلم یا محتمل الاعلمیه باشد.

س ۳۲: جوانی هستم ملتزم به احکام شرعی، در گذشته قبل از رسیدن به سن تکلیف مقلد حضرت امام (ره) بودم، ولی این تقلید مبتنی بر بیّنه شرعی نبود بلکه بر این اساس بود که تقلید از امام سبب برائت ذمه می‌گردد. بعد از مدّتی به مرجع دیگری عدول کردم، در حالی که این عدول هم صحیح نبود و بعد از درگذشت آن مرجع، به جنابعالی عدول کردم. لطفاً حکم تقلیدم از آن مرجع و حکم اعمالم در آن مدت و تکلیف فعلی‌ام را بیان فرمایید.

ج: آن دسته از اعمال شما که بر اساس فتوای امام (قدّس سرّه)، چه در حال حیات با برکت وی و چه بعد از رحلت ایشان، بنا بر بقا بر تقلید از امام (قدّس سرّه) انجام گرفته، محکوم به صحت است. ولی اعمالی که به تقلید غیر منطبق با موازین شرعی از مرجع دیگری انجام یافته، اگر منطبق با فتوای کسی که هم اکنون باید از او تقلید کنید، باشد، محکوم به صحت و موجب برائت ذمه است، و الاّ قضای آنها بر شما واجب است. در حال حاضر شما بین بقا بر تقلید از امام راحل طاب ثراه و بین عدول به کسی که بر اساس موازین شرعی او را شایسته تقلید می‌دانید، مخیر هستید.

بقا بر تقلید میّت

س ۳۳: شخصی که مقلّد امام (رحمة الله علیه) بوده، پس از ارتحال ایشان از مرجع معینی تقلید نموده است. در حال حاضر می‌خواهد دوباره از امام تقلید نماید. آیا این تقلید جایز است؟

ج: رجوع از مجتهد زنده جامع‌الشرایط به مجتهد میّت بنا بر احتیاط، جایز نیست. ولی اگر مجتهد زنده در زمان عدول به او واجد شرایط نبوده است، عدول به او از همان ابتدا باطل بوده، و این فرد در حال حاضر

اختیار دارد که همچنان بر تقلید امام (ره) باقی بماند و یا به مجتهد زنده‌ای که تقلیدش جایز است، عدول کند.

س ۳۴: من در زمان حیات امام خمینی (ره) به سن تکلیف رسیده و در بعضی از احکام از ایشان تقلید کردم، در حالی که مسأله تقلید به خوبی برایم معلوم نبود، اکنون چه تکلیفی دارم؟

ج: اگر در اعمال عبادی و غیر عبادی در زمان حیات امام (ره) به فتاوی ایشان عمل نموده‌اید، و عملاً مقلد ایشان، هرچند در بعضی از احکام، بوده‌اید، در حال حاضر بقا بر تقلید حضرت امام (ره) در همه مسائل برای شما جایز است.

س ۳۵: حکم بقا بر تقلید میّت اگر اعلم باشد، چیست؟

ج: بقا بر تقلید میّت در هر صورت جایز است. ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میّت اعلم ترک نشود.

س ۳۶: آیا در بقا بر تقلید میّت، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟

ج: در جواز بقا بر تقلید میّت، در صورتی که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نیست.

س ۳۷: شخصی که از امام راحل (قدّس سرّه) تقلید می‌کرده و بعد از رحلت ایشان در بعضی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کرده است، اکنون آن مجتهد نیز وفات نموده است، این شخص چه تکلیفی دارد؟

ج: می‌تواند مانند گذشته، بر تقلید از امام (قدّس سرّه)، در مسائلی که از ایشان عدول نکرده، باقی بماند. همچنان که مخیر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

س ۳۸: بعد از وفات امام راحل (قدّس سرّه) گمان می‌کردم که بنا بر فتوای ایشان بقا بر تقلید میّت جایز نیست، لذا مجتهد زنده دیگری را برای تقلید انتخاب کردم. آیا می‌توانم بار دیگر به تقلید از امام راحل رجوع کنم؟

ج: رجوع به تقلید از امام (قدّس سرّه) بعد از عدول از ایشان به مجتهد زنده در مسائلی که عدول نموده‌اید، جایز نیست، مگر این که فتوای مجتهد زنده، وجوب بقا بر تقلید میّت اعلم باشد، و شما معتقد باشید که امام (ره) نسبت به مجتهد زنده اعلم است، که در این صورت بقا بر تقلید امام (ره) واجب است.

س ۳۹: آیا جایز است که در یک مسأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهد میّت رجوع کنم و گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم؟

ج: بقا بر تقلید میّت تا زمانی که به مجتهد زنده عدول نشده، جایز است و پس از عدول، رجوع مجدد به میّت جایز نیست.

س ۴۰: آیا بر مقلّدين امام راحل(قدّس سرّه) و کسانی که قصد بقا بر تقلید از ایشان را دارند، اجازه گرفتن از یکی از مراجع زنده واجب است؟ یا این که اتّفاق اکثر مراجع و علماى اسلام بر جواز بقا بر میّت کافی است؟

ج: با فرض اتّفاق علما، مبنی بر جواز بقا بر تقلید از میّت، بقا بر تقلید امام(ره) جایز است و در این مورد نیازی به رجوع به مجتهد معینی نیست.

س ۴۱: نظر شریف جناب عالی راجع به بقا بر تقلید از میّت در مسأله‌ای که مکلف در حال حیات مرجع به آن عمل کرده و یا نکرده، چیست؟

ج: بقا بر تقلید میّت در همه مسائل حتی در مسائلی که تاکنون مکلف به آنها عمل نکرده است، جایز و مجزی است.

س ۴۲: بنا بر جواز بقا بر تقلید از میّت، آیا این حکم شامل اشخاصی که در زمان حیات مجتهد مکلف نبوده ولی به فتاوی آن مرجع عمل کرده‌اند، هم می‌شود؟

ج: اگر تقلید شخص غیربالغ از مجتهد جامع‌الشرایط به نحو صحیح محقق شده باشد، باقی ماندن بر تقلید همان مجتهد بعد از فوتش جایز است.

س ۴۳: ما از مقلّدين امام خمینی(قدّس سرّه) هستیم که بعد از رحلت جانشوز ایشان بر تقلید وی باقی مانده‌ایم. ولی چون در شرایط دشوار فعلی که ملت مسلمان با استکبار جهانی درگیر است، با مسائل شرعی تازه‌ای روبرو می‌شویم و احساس می‌کنیم باید به حضرتعالی رجوع نمائیم و از شما تقلید کنیم، آیا این کار برای ما جایز است؟

ج: بقا بر تقلید از امام(قدّس سرّه) برای شما جایز است و فعلاً نیازی به عدول از تقلید ایشان ندارید، در صورت نیاز به استعلام حکم شرعی در مسائل مستحدثه، می‌توانید با دفتر ما مکاتبه نمایید.

س ۴۴: وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید خود در صورتی که اعلامیت مرجع دیگری را احراز نماید، چیست؟

ج: بنا بر احتیاط، واجب است در مسائلی که فتوای مرجع فعلی با فتوای مرجع اعلم اختلاف دارد، به مرجع اعلم عدول نماید.

س ۴۵: ۱. در چه صورتی جایز است، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟

2. آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتاوی مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است؟

ج: ۱. عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، جایز نیست علی الاحوط، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله‌ای مخالف فتوای مجتهد اول باشد.

2. تنها گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

مسائل متفرقه تقلید

س ۴۶: مراد از جاهل مقصر چه کسی است؟

ج: جاهل مقصر به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند، ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

س ۴۷: جاهل قاصر کیست؟

ج: جاهل قاصر کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

س ۴۸: احتیاط واجب چه معنایی دارد؟

ج: یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط.

س ۴۹: آیا عبارت «فیه اشکال» که در بعضی از فتاوی ذکر می‌شود، دلالت بر حرمت دارد؟

ج: بر حسب اختلاف موارد، معنای آن فرق می‌کند. اگر اشکال در جواز باشد دلالت بر حرمت در مقام عمل دارد.

س ۵۰: عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لایخلو من اشکال»، «لا اشکال فیه» فتواست یا احتیاط؟

ج: همه این عبارت‌ها دلالت بر احتیاط دارند، مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوا است.

س ۵۱: فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟

ج: در مقام عمل بین آنها فرقی نیست.

مرجعیت و رهبری

س ۵۲: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلاً اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسأله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد، کدام است؟

ج: در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

س ۵۳: همان گونه که مطلع هستید در اصول فقه از مسأله‌ای تحت عنوان «اجتهاد متجزی» بحث می‌شود، آیا اقدام امام خمینی (قدس سره) در تفکیک مرجعیت و رهبری، گامی در تحقق تجزی در اجتهاد محسوب نمی‌شود؟

ج: تفکیک بین رهبری ولی فقیه و مرجعیت تقلید، ربطی به مسأله تجزی در اجتهاد ندارد.

س ۵۴: اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد، آیا ملزم به رعایت نظر وی هستم؟

ج: در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است.

س ۵۵: حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا می‌باشد؟ و در صورت تعارض با رأی مرجع تقلید اعلم، کدامیک مقدم است؟

ج: اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی‌تواند با آن معارضه کند.

ولایت فقیه و حکم حاکم

س ۵۶: آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی؟

ج: ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین‌شناس حکم شرعی تبعیدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

س ۵۷: آیا احکام شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین به دلیل مصالح عمومی مسلمانان، بر خلاف آنها حکم نماید، قابل تغییر و تعطیل است؟

ج: موارد این مسأله مختلف است.

س ۵۸: آیا رسانه‌های گروهی در نظام حکومت اسلامی باید تحت نظارت ولی فقیه یا حوزه‌های علمیه و یا نهاد دیگری باشند؟

ج: اداره رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال اینگونه امور از آن استفاده شود.

س ۵۹: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می‌شود؟

ج: عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت(ارواحنا فداه) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود.

س ۶۰: آیا ولی فقیه ولایتی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی، نسخ نماید؟

ج: بعد از وفات پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم، نسخ محسوب نمی‌شود.

س ۶۱: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبه ندارند، با توجه به اینکه بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می‌کنند، چیست؟

ج: ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقّ اثنی‌عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

س ۶۲: آیا اوامر ولی فقیه برای همه مسلمانان الزام آور است یا فقط مقلدین او ملزم به اطاعت هستند؟ آیا بر کسی که مقلد مرجعی است که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

ج: بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند، و این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود، چه رسد به مقلدین آنان. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیست.

س ۶۳: کلمه ولایت مطلقه در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به این معنی استعمال شده است که اگر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) شخصی را به انجام کاری امر کنند، انجام آن حتی اگر از سخت‌ترین کارها هم باشد بر آن فرد واجب است، به‌طور مثال اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله) به کسی دستور خودکشی بدهند، آن فرد باید خود را به قتل برساند. سؤال این است که آیا ولایت فقیه در عصر ما با توجه به این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) معصوم بودند و در این زمان ولی معصوم وجود ندارد، به همان معنای عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) است؟

ج: مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع‌الشرایط این است که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد دین حکومت و اداره امور جامعه است، لذا همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسائل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد، حاکم مسلمانان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت، باید در هر مورد که لازم بداند تصمیمات مقتضی بر اساس فقه اسلامی اتخاذ کند و دستورات لازم را صادر نماید. تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است، و این توضیح مختصری درباره ولایت مطلقه است.

س ۶۴: آیا همانگونه که بقا بر تقلید از میّت بنا بر فتوای فقها باید با اجازه مجتهد زنده باشد، اوامر و احکام شرعی حکومتی هم که از رهبر متوفی صادر شده است، برای استمرار و نافذ بودن احتیاج به اذن رهبر زنده دارد یا این که بدون اذن رهبر زنده هم خود به خود از قابلیت اجرایی برخوردار است؟

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

س ۶۵: آیا بر فقیهی که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کند و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است؟ و اگر با ولی فقیه مخالفت نماید فاسق محسوب می‌شود؟ و در صورتی که فقیهی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارد ولی خود را از او شایسته‌تر به مقام ولایت می‌داند، اگر با اوامر فقیهی که متصدی مقام ولایت امر است مخالفت نماید، فاسق است؟

ج: اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است. و برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه‌های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت، مسأله به‌طور کلی تفاوت خواهد کرد.

س ۶۶: آیا مجتهد جامع‌الشرایط در عصر غیبت ولایت بر اجرای حدود دارد؟

ج: اجرای حدود در زمان غیبت هم واجب است و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

س ۶۷: آیا ولایت فقیه یک مسأله تقلیدی است یا اعتقادی؟ و کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ج: ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می‌باشد. با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادله شرعی استنباط می‌شوند و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

س ۶۸: گاهی از بعضی از مسئولین، مسأله‌ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می‌شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است. نظر جنابعالی در این باره چیست؟ و وظیفه شرعی ما کدام است؟

ج: مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست. ولی در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

س ۶۹: آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

ج: اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آنها جایز نیست.